**بنام خدا**

**ارزیابی ترور سردار سلیمانی به‌عنوان نمونه بارز نقض قواعد حقوق بین‌الملل توسط آمریکا**

نازآفرین ناظمی[[1]](#footnote-1)

**مقدمه**

در 14 دی‌ماه 1398 برابر با 3 ژانویه 2020 سپهبد قاسم سلیمانی فرمانده سپاه قدس ایران و مهندس ابومهدی المهندس معاون الحشد الشعبی و همراهان ایشان در حمله هوایی موسوم به آذرخش کبود توسط ایالات‌متحده آمریکا در نزدیکی فرودگاه بغداد به شهادت رسیدند. این حمله به دستور مستقیم دونالد ترامپ رئیس‌جمهور وقت ایالات‌متحده انجام گرفت درحالی‌که وی مدعی بود سپهبد قاسم سلیمانی به‌عنوان فرمانده سپاه قدس مسئول کشتن و مجروح کردن صدها آمریکایی و انجام حملات متعدد به نیروهای آمریکایی بوده و برای کشتن تعداد بیشتری برنامه‌ریزی کرده بوده و این اقدام آمریکا به‌منظور جلوگیری از بروز جنگ انجام‌گرفته است.

در نامه‌ای که در 8 ژانویه 2020 توسط "کلی کرافت" سفیر ایالات‌متحده در سازمان ملل به شورای امنیت ارائه شد اذعان شده بود که ترور سردار سلیمانی به‌عنوان دفاع مشروع تحت ماده 51 منشور بوده است. ایالات‌متحده ایران را متهم کرده که در ماه‌های گذشته مجموعه‌ای از حملات مسلحانه داشته و عملیاتی که انجام‌شده به‌منظور جلوگیری ایران از انجام یا پشتیبانی حملات به آمریکا و صدمه به منافع این کشور در خاورمیانه و کاهش قدرت جمهوری اسلامی ایران و سپاه قدس برای انجام این عملیات بوده است. ایالات‌متحده همچنین تصریح کرده که درصورتی‌که حمایت از منافع یا کارکنان آمریکا اقتضا کند آماده انجام عملیات دیگری نیز هست.[[2]](#footnote-2) نمایندۀ دائم جمهوری اسلامی ایران در سازمان ملل متحد، نامه‌های رسمی خطاب به رئیس شورای امنیت و دبیر کل سازمان ملل متحد نوشت و در آن، شهادت سردار سلیمانی و همراهان ایشان را جنایت خواند. همین‌طور، نمایندۀ عراق در سازمان ملل متحد، طی دو نامه خطاب به شورای امنیت و دبیر کل سازمان ملل متحد، رسماً و صریحاً اعلام داشت که حملۀ هوایی آمریکا در سرزمین بغداد که آمریکا آن را منتسب به خود دانسته ، قتل خودسرانه و بدون مجوز قانونی بوده است.

این ترور ناجوانمردانه را می‌توان یکی از علنی‌ترین تجاوزات ایالات‌متحده به قواعد حقوق بین‌الملل تلقی کرد. در این مقاله بر آنیم تا به تشریح موازین مختلف حقوق بین‌الملل که در این ترور نقض شده بپردازیم. لازم به ذکر است که در این ارزیابی صرفاً قواعد تئوری موردبحث قرار خواهد گرفت صرف‌نظر از اینکه پیگیری نقض آن‌ها در مراجع ذیصلاح ملی و بین‌المللی امکان‌پذیر است یا خیر، چراکه این امر خود نیازمند پژوهشی دیگر خواهد بود.

**وضعیت ترور سردار سلیمانی و همراهان از دیدگاه حقوق بین‌الملل**

ترور سردار سلیمانی و همراهان ایشان موقعیت پیچیده‌ای را برای ایالات‌متحده که در سال‌های اخیر از سوی حقوقدانان در سطح بین‌المللی متهم به نقض قواعد حقوق بین‌الملل و حقوق بشر است رقم می‌زند.این ترور استانداردهای حقوقی بین‌المللی متعددی را زیر سؤال برد و استدلال‌های این کشور برای توجیه این عملیات تاکنون نتوانسته نهادهای بین‌المللی، حقوقدانان و حتی اندیشمندان خود ایالات‌متحده را که مخالف عملکرد خودسرانه این دولت در سطح بین‌المللی هستند قانع کند. نقض مهم‌ترین قواعد آمره بین‌المللی همچون اصل عدم توسل به‌زور،اصل حاکمیت و عدم‌مداخله و زیر پا گذاشتن توافقنامه دوجانبه میان عراق و آمریکا موسوم به سوفا در کنار نادیده گرفتن اصول حقوق بشری و حقوق بشردوستانه مبنای واکنش‌های حقوقی نسبت به حمله پهپادی ایالات‌متحده به کاروان سردار سلیمانی و ابوالمهدی المهندس و همراهان است. در ادامه در کنار بررسی استدلال‌های واهی آمریکا برای انجام این عملیات به چگونگی نقض قواعد حقوق بین‌المللی در رابطه با عملیات مذکور می‌پردازیم.

**1-نقض اصل عدم توسل به‌زور**

یکی از مهم‌ترین اصول منشور ملل متحد که امروزه به‌عنوان قاعده آمره شناخته می‌شود اصل منع توسل به‌زور است . یکی از اهداف منشور ملل متحد عبارت است از " حفظ صلح و امنیت بین‌المللی و بدین منظور به عمل آوردن اقدامات دسته‌جمعی مؤثر برای جلوگیری و برطرف کردن تهدیدات علیه صلح و متوقف ساختن هرگونه تجاوز یا سایر کارهای ناقض صلح و فراهم آوردن موجبات تعدیل و حل‌وفصل اختلافات بین‌المللی یا وضعیت‌هایی که ممکن است منجر به نقض صلح گردد با شیوه‌های مسالمت‌آمیز و بر طبق عدالت و حقوق بین‌الملل"[[3]](#footnote-3) و برای رسیدن به این هدف منشور استفاده یک‌جانبه از زور را توسط دولت‌ها در روابط بین‌المللی‌شان ممنوع کرده است. ماده 2 بند 4 منشور اظهار می‌دارد که تمامی اعضا باید در روابط بین‌المللی خود از تهدید یا استفاده از زور علیه تمامیت سرزمینی یا استقلال سیاسی یا از هر روشی که متناسب با اهداف سازمان ملل نباشد خودداری کنند. البته این اصل مطلق نیست و ماده 42 و 51 منشور استثنائاتی بر این اصل تلقی می‌شوند.

ماده 42 منشور شورای امنیت را مجاز می‌دارد که درصورتی‌که تدابیر غیرنظامی مقرر در ماده 41 برای حفظ یا اعاده صلح و امنیت بین‌المللی کافی نباشد به‌مقتضای ضرورت تصمیم به استفاده از نیروی نظامی بگیرد که در فرض حاضر این ماده مرتبط نیست.[[4]](#footnote-4) ماده 51 منشور ملل متحد مقرر می‌دارد که : در صورت وقوع حمله مسلحانه علیه یک عضو ملل متحد تا زمانی که شورای امنیت اقدام لازم برای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی را به عمل آورد هیچ‌یک از مقررات این منشور به‌حق ذاتی دفاع از خودخواه فردی یا دسته‌جمعی لطمه‌ای وارد نخواهد کرد. اعضاء باید اقداماتی را که در اعمال حق دفاع از خود به عمل می‌آورند فوراً به شورای امنیت گزارش دهند. بنابراین طبق ماده 51 حق توسل به‌زور برای حفظ صلح بین‌المللی صرفاً به عهده شورای امنیت است بااین‌حال این ماده باوجود ممنوعیت توسل به‌زور توسط دولت‌ها، حق دفاع مشروع فردی یا جمعی را در حمله مسلحانه تضمین می‌کند. این ماده تنها مبنای قانونی برای عملکرد یک‌جانبه دولت‌ها در توسل به‌زور است.[[5]](#footnote-5)

* 1. **فقدان شرایط لازم برای دفاع مشروع در ترور سردار سلیمانی**

همان‌گونه که اشاره شد در ترور سردار سلیمانی استناد آمریکا به ماده 51 منشور ملل متحد بوده که درواقع استثنائی بر قاعده آمره عدم توسل به‌زور است. بااین‌حال استناد به این ماده شرایط خاصی را می‌طلبد که عبارت‌اند از وجود حمله مسلحانه و فراهم بودن عناصر تناسب، فوریت و ضرورت.

**الف- وجود حمله مسلحانه**

اولین نکته در بحث دفاع مشروع مربوط به آن است که توسل به‌زور باید در زمان حملات مسلحانه باشد. این بدان معناست که برای مشروعیت بخشیدن به عملیات 3 ژانویه 2020 باید حمله مسلحانه‌ای که قابل انتساب به ایران باشد وجود داشته و در زمان ترور این حمله مسلحانه در جریان بوده باشد. اگرچه در نامه آمریکا به شورای امنیت به حملات قبلی ایران به مواضع آمریکا اشاره‌شده بود اما مشارکت ایران در چنین عملیاتی اثبات نشده است. اگرچه حمله راكتي به پايگاه آمریکایی نزديك كركوك و نيز محاصره كردن سفارت اين كشور در بغداد به ايران نسبت داده شد اما هیچ‌گونه شواهد و مداركي ارائه نشد جز این‌که مقامات آمریکایی طبق رویه‌ای كلي، جمهوري اسلامي ايران را مسئول اقداماتي می‌دانند كه توسط گروه‌هایی انجام می‌گیرد كه به اعتقاد آن‌ها تحت نفوذ يا وابسته به ايران هستند. این در حالی است حشدالشعبي بخشي از نيروهاي نظامي رسمي و قانوني دولت جمهوري عراق است[[6]](#footnote-6)و مسئوليت اقدامات آن نيز متوجه دولت عراق خواهد بود. همکاری‌های ايران با اين نيرو نيز بخشي از کمک‌های مستشاري نظامي بوده كه با درخواست و هماهنگي دولت عراق جريان داشته است. بعلاوه، حمله‌ی راكتي يادشده حمله‌ای ناشناس بوده و حشدالشعبي و گردان‌های حزب‌الله تحت فرماندهي آن هرگز مسئوليت اين حمله را به عهده نگرفته‌اند.

به همین شکل انتساب اقدام جمعي از هواداران حشدالشعبي در محاصره سفارت امريكا در بغداد به ايران، كه به‌عنوان اعتراض به حملات هوايي امريكا به نيروهاي حشدالشعبي صورت گرفت فاقد هرگونه مبنایی است زيرا اولاً اين اقدام نه‌تنها مورد تائيد ايران واقع نشد بلكه ايران و شخص سردار سليماني كوشيدند تا غائله هرچه زودتر خاتمه يابد و محاصره سفارت امريكا پس از چند روز بدون هيچ آسيبي به دیپلمات‌های آمریکایی پايان يافت. بنابراين اقدام یادشده قابل انتساب به ايران نیست.[[7]](#footnote-7)

حتی در فرض اثبات اتهامات آمریکا علیه ایران، حملات یادشده حمله مسلحانه به مفهوم خاص آن نبوده است .[[8]](#footnote-8) اگرچه منشور تعریفی از حمله مسلحانه ارائه نکرده و اشاره‌ای به شرایط امکان توسل یک کشور به دفاع مشروع در این رابطه نکرده است، اما طبق نظر کمیته اجرایی انجمن حقوق بین‌الملل در سال 2005 و کمیته توسل به‌زور برای یک درگیری مسلحانه دو شرط لازم است که عبارت‌اند از وجود گروه‌های مسلح سازمان‌یافته و درگیری در مبارزه نسبتاً شدید.[[9]](#footnote-9) کمیته توسل به‌زور انجمن حقوق بین‌الملل بیان می‌دارد که حمله مسلحانه‌ای که بخشی از یک درگیری شدید مسلحانه نباشد درگیری مسلحانه تلقی نمی‌شود.[[10]](#footnote-10) دیوان کیفری بین‌المللی نیز در پرونده نیکاراگوئه مقرر داشت که لازم است میان شدیدترین شکل استفاده از زور (که منجر به حمله مسلحانه می‌شود) و اشکال کم شدت تر آن تمایز قائل شد[[11]](#footnote-11) بنابراین بر اساس هر تعریفی که در نظر بگیریم هیچ درگیری مسلحانه بین دو طرف وجود نداشته است و هر حمله‌ای که پیش از 3 ژانویه 2020 رخ‌داده بخشی از یک درگیری مسلحانه شدید نبوده و لذا به شهادت رساندن سردار سلیمانی در این بحران می‌تواند به‌عنوان اولین اقدام تلقی گردد.[[12]](#footnote-12)

**ب- رعایت اصل تناسب ، فوریت و ضرورت عملیات نظامی**

عدم وجود یک حمله مسلحانه ابتدایی از جانب ایران فرضیه دفاع مشروع بودن ترور را به‌طورکلی رد می‌کند. بااین‌حال اگر فرض را بر این بگذاریم که طبق ادعاهای بی‌اساس آمریکا چنین حمله‌ای وجود داشته است بازهم توسل به ماده51 زمانی میسر است که عناصر تناسب و ضرورت عملیات نظامی وجود داشته باشد و استفاده غیرضروری از نیروی مرگبار در شرایطی که نتوان وجود یک تهدید فوری واقعی را اثبات کرد قابل‌پذیرش نیست. پیش‌شرط تناسب بدین معناست اقدام تدافعي با حمله مسلحانه قبلي ازنظر ميزان و شدت متناسب باشد پس هر طرف تنها تااندازه‌ای می‌تواند متوسل به‌زور شود که برای شکست دشمن ضروری است نه بیشتر از آن .مادۀ 51 قسمت(5) بند(2) و مادۀ 57 پروتکل اول الحاقی به کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو 1949، به‌طور خلاصه اشاره می‌کند که اصل تناسب درصدد است تا از ورود خسارات غیرضروری جلوگیری کند.[[13]](#footnote-13) اصل تناسب متضمن اعمال محدودیت در هدف‌گذاری و حمله است، بدین معنا که صرف حمله به اهداف نظامی مشخص، کافی نیست بلکه حمله نباید در عمل منجر به صدمه و آسیب نامتناسب به افراد غیرنظامی شود. این امر در ارزیابی ترورهای هدفمند انجام‌گرفته توسط دولت‌ها از اهمیت بسیاری برخوردار است.[[14]](#footnote-14)

از طرفی دونالد ترامپ ادعا می‌کند که سردار سلیمانی مسئول مرگ صدها نفر از نیروهای آمریکایی بوده و حمله‌هایی را به ایالات‌متحده طراحی می‌کرده است .اما سازمان ملل باور دارد که آمریکا نمی‌تواند ادعاهایش را ثابت کند و از این کشور خواسته که سریعاً شواهدی را که مبنای حملاتی که شاید بتواند دفاع مشروع تلقی شود بوده را ارائه کند.[[15]](#footnote-15) در گزارش رسمی که به کنگره آمریکا بعد از ترور سردار سلیمانی ارائه شد مدارک محرمانه‌ای ارائه شد که از جانب بسیاری از اعضای کنگره موردتردید واقع شد. مضافاً اینکه رئيس كميسيون سياست خارجي كنگره نيز اعلام داشته كه محتواي گزارش كاخ سفيد به كنگره نيز نشان می‌دهد كه برخلاف ادعاي اوليه رئیس‌جمهور، وجود شواهدي مبني بر وجود تهديد قریب‌الوقوع از سوي سردار سليماني نسبت به جان نظاميان آمریکایی اثبات نشده است.[[16]](#footnote-16) اگرچه ترامپ به نقش سردار سلیمانی در طراحی حملات آینده به چهار سفارتخانه آمریکا اشاره‌کرده بود اما وزیر دفاع در 12 ژانویه گفت که گزارش مشخصی حاکی از وجود چنین تهدیدهایی وجود ندارد .[[17]](#footnote-17)

طبق این شواهد در قضیه ترور سردار سلیمانی و همراهان تناسبي ميان عملیات ایالات‌متحده و اقدام ادعايي وجود نداشته است و این کشور می‌توانسته از طرق دیگر اقدام به دستگیری فرد موردنظر بنماید و ترور سردار سلیمانی برای جلوگیری از چنین عملیاتی نه لازم بوده و نه کافی. منطق بازدارندگی در این رابطه ضرورت را نیز توجیه نمی‌کند زیرا کشوری که دفاع مشروع را انجام می‌دهد اطمینان نداشته که عملی که برای بازدارندگی صورت می‌گیرد حقیقتاً باعث توقف حمله قریب‌الوقوع می‌شود. آمریکا باید اثبات می‌کرد که ایران واقعاً چنین عملیاتی را دنبال می‌کند و سردار سلیمانی عملاً در طراحی و اجرای آن حملات نقش مؤثر داشته و ترور وی موجب توقف چنین عملیاتی می‌شده است و به‌خصوص ترور ایشان در عراق به‌عنوان یک کشور ثالث بدین منظور توجیه‌پذیر بوده است. اما چنین استدلالی وجود نداشته و ترامپ صرفاً به بیان اینکه انجام این کار برای جلوگیری از حملاتی که می‌توانسته به شهروندان و مواضع آمریکا ضربه بزند ضروری بوده است، اکتفا کرد.

ایراد دیگری که در خصوص ادعای آمریکا درباره توسل به دفاع مشروع مطرح می‌شود این است که دفاع مشروع در روابط میان دو دولت مطرح می‌شود و ترور فرمانده نظامی دولتی که هیچ مخاصمه‌ای را آغاز نکرده است با ادعای دفاع مشروع در مقابل آن دولت، اقدامی متناقض با مبانی دفاع مشروع به نظر می‌رسد. حتی اگر امکان دفاع مشروع در مقابل یک حمله قریب‌الوقوع را بپذیریم ، اقدام نظامی دفاعی باید علیه ابزارها و بازوهای اجرایی ازجمله افراد یا تانک‌ها یا پهپادهایی که حمله قرار است به‌وسیله آن‌ها انجام شود، صورت گیرد و این در حالی است که سپهبد سلیمانی به‌عنوان یک فرمانده رده‌بالای استراتژیست تنها در تصمیم‌گیری‌های نظامی و نه انجام عملیات نظامی ادعایی مشارکت داشته است.[[18]](#footnote-18)

به علت عدم وجود دلایل کافی برای دفاع مشروع به‌طورمعمول، آمریکا ممکن است به دفاع مشروع پیشدستانه متوسل شود. دفاع مشروع در صورتی هنوز حمله‌ای رخ نداده باشد دفاع مشروع پیشدستانه نامیده می‌شود[[19]](#footnote-19) و با دفاع مشروع پیشگیرانه[[20]](#footnote-20) متفاوت است که به دنبال متوقف کردن تهدیدهای آینده و اغلب بدون اطلاعات کافی است.[[21]](#footnote-21) در فرضيه دفاع پيشدستانه، كشور مدعي تجاوز اجازه می‌یابد در قبال حملاتي كه وقوع آن‌ها درراه می‌باشند يا در برابر خطرات قریب‌الوقوع واكنش نظامي از خود نشان دهد. آنچه در خصوص دفاع از خود در مواجهه با يك تهديد قریب‌الوقوع موضوعيت حقوقي می‌یابد، صرفاً ناظر بر دفاع مشروع پيشدستانه است كه در موارد قریب‌الوقوع بودن تهديد يا توسل به‌زور قابل‌اعمال است. اما در مورد دفاع پيشگيرانه، اگر هيچ تهديد و اقدامي از سوي كشور موردحمله واقع نشده باشد، هيچ كشوري حق ندارد به‌صرف احساس خطر و يا تهديد اقدام نظامي تحت عنوان دفاع مشروع پيشگيرانه انجام بدهد[[22]](#footnote-22).

در رابطه با تفسیر ماده 51 دو نظر وجود دارد . یکی آنکه ماده 51 تنها می‌تواند در صورت حمله مسلحانه واقعی مورد استناد قرار گیرد و معتقدند که کشور باید صبر کند تا زمانی که قربانی شود و بعد نیروی نظامی را برای دفاع مشروع استفاده کند.[[23]](#footnote-23) برخی دیگر از اندیشمندان معتقدند که این ماده دفاع مشروع پیشدستانه را منع نمی‌کند. بنابراین هنوز اجماعی در این رابطه وجد ندارد.دیوان بین‌المللی دادگستری نیز در رأی 27 ژوئن 1986 در پرونده نیکاراگوئه علیه ایالات‌متحده آمریکا مقرر داشت که حق دفاع مشروع در حقوق بین‌الملل عرفی منشور را زنده نگه می‌دارد و در کنار ماده 51 وجود دارد.[[24]](#footnote-24) بااین‌حال در مورد دفاع مشروع پیشدستانه اظهارنظری نکرد. عکس‌العمل دولت‌ها نسبت به دفاع مشروع پیشدستانه میان رد، تحمل و قبول آن متغیر است. عدم وجود اجماع و فقدان سندی مبنی بر رد یا قبول دفاع مشروع پیشدستانه توسط حقوق بین‌الملل عرفی باعث شده که کشورها حداقل وجود دو شرط ضرورت و تناسب را بپذیرند.

برای رعایت اصل ضرورت وجود یک حمله قریب‌الوقوع را باید در نظر گرفت و رعایت اصل تناسب مستلزم آن است که اقدامات به‌عمل‌آمده هم در کمیت و هم در کیفیت با اقدام متجاوز و نیز با آنچه لازمه دفاع و رفع خطر ناشی از اقدام متجاوز است متناسب باشد به‌نحوی‌که به تجاوز خاتمه دهد و این اقدامات نباید بیش از دفع تجاوز باشد. از سوی دیگر ابزار و گستره دفاع متناسب با شدت و سنگینی حمله باشد مخصوصاً وسایل و ادواتی که برای دفاع استفاده می‌شود باید دقیقاً برای پاسخگویی به حمله ضروری باشد. ازآنجاکه تناسب به معنای تساوی مادی بین عمل مدافع و خطر متجاوز و تجاوز نیست عمل به اصل لزوم رعایت تناسب دشوار می‌نماید.[[25]](#footnote-25)

بعد از حوادث 11 سپتامبر دولت بوش اقدام به طراحي يك الگوي جديد امنيت ملي كرد که به‌موجب آن برای خود حق برخورد با تهديدات تروريستي را قبل از شکل‌گیری آنان قائل بود. جنگ سال 2003 عراق، نخستين مورداستفاده از دكترين پيشدستانه بوش بود. دكترين بوش به‌وضوح مخالف با حقوق بین‌الملل است زیرا به‌موجب حقوق بین‌الملل دفاع مشروع تنها در حالتي كه حمله مسلحانه واقع‌شده باشد می‌تواند مورداستفاده واقع شود. ماده 51 منشور ملل متحد در قرائت آمریکایی به‌طور سهل گيرانه اي خوانده می‌شود كه می‌تواند حق دفاع مشروع پيشدستانه حتي درصورتی‌که حمله بالفعل مسلحانه رخ نداده باشد، وجود داشته باشد. در حقيقت آمريكا با تفسير موسع از حق دفاع مشروع همواره در راستاي نقض اصل ممنوعيت توسل به‌زور گام برداشته است. در رابطه با تفسیر ایالات‌متحده از دفاع مشروع پیشدستانه روبرت جرویس در مقاله" درک دکترین بوش" می‌نویسد" این دکترین چهارعنصر دارد: باور قوی درباره اهمیت رژیم داخلی یک کشور در تشخیص سیاست خارجی خود و عقیده مرتبط باآنکه این زمان درست برای تغییر شکل سیاست خارجی است، احساس تهدیدهای بزرگی که تنها می‌تواند باسیاست‌های جدید و قوی شکست داده شود مانند جنگ پیشگیرانه، میل به عمل به‌صورت انفرادی در صورت لزوم و نهایتاً آنچه هم دلیل و هم خلاصه این باورهاست که عبارت است از حس غالب نسبت به اینکه صلح و ثبات از ایالات‌متحده می‌خواهد برتری خود را در سیاست‌های جهانی اثبات کند".[[26]](#footnote-26) این نظریه موردانتقاد شدید واقع‌شده زیرا نمی‌تواند اطمینان داشت که اعمال آمریکا در چارچوب منشور ملل متحد خواهد بود. دیوان بین‌المللی در دعوای کنگو بیان داشته که مفهوم حمله مسلحانه شامل اعمالی است که توسط گروه‌های مسلح صورت می‌گیرد و چنین اعمالی باید بر اساس مبنای معناداری انجام گیرد و صرف حوادث و برخوردهای مرزی موجب حق استفاده از زور برای دفاع مشروع نمی‌شود. بعلاوه دفاع از خود باید در چارچوب یک اقدام قانونی باشد. هرگونه حمله پیشگیرانه در این خصوص فاقد ارزش حقوقى بوده و دفاع محسوب نمی‌شود. دفاع مشروع حتماً باید مسبوق به تهاجم نظامى باشد.[[27]](#footnote-27)

اگرچه دولت ترامپ در عملیات 3 ژانویه صریحاً به دفاع پیشدستانه اشاره نکرده اما این امر به‌طور ضمنی از اظهارات مختلف این دولت قابل‌فهم است. دولت آمریکا در بیانیه مغشوش خود بی‌آنکه به‌صراحت به دکترین‌های دفاع مشروع پیشدستانه یا پیشگیرانه استناد کند به‌طور ضمنی سعی بر القاء این ادعا داشته است که حمله به سردار سلیمانی و همراهان ایشان در قالب دفاع مشروع پیشگیرانه یا پیشدستانه ضرورت داشته است. این ادعا به‌وضوح در توییت ترامپ مبنی بر اینکه " قاسم سلیمانی هزاران سرباز آمریکایی را در یک دوره بلند زمانی کشته یا به‌سختی مجروح ساخته و برای کشتن شمار بیشتر نیز توطئه می‌کرده است" آشکار است.[[28]](#footnote-28) بعلاوه ترامپ ادعا کرد ایران در حال طراحی یک حمله قریب‌الوقوع است بنابراین تصمیم گرفته بود که فعالیت‌های ایران را پیش‌بینی کند و استراتژی بازدارندگی را انتخاب کند. سرویس‌های اطلاعاتی آمریکا پیش از عملیات اعلام کرده بودند که حملاتی علیه دیپلمات‌های آمریکایی در منطقه طراحی‌شده است. اما خود پنتاگون در بیانیه اولیه اشاره‌ای به تهدید فوری نکرده بود. بعلاوه اظهارات ترامپ مبنی بر اینکه سردار سلیمانی باید سال‌ها پیش حذف می‌شد و توییت مشاور اسبق سیاست خارجی آمریکا در مورد اینکه از مدت‌ها پیش تدارک این حمله را می‌دیده‌اند نشان از عدم وجود یک حمله فوری و قریب‌الوقوع می‌دهد و مشخص می‌کند که این ترور بدون توجه به وجود عناصر لازم و بر اساس طراحی قبلی اتفاق افتاده است. بنابراین این حمله نه دفاع پیشدستانه تلقی می‌شود و نه دفاع پیشگیرانه بلکه صرفاً انتقام‌جویی ایالات‌متحده بوده است. حتی اگر دفاع مشروع پیشدستانه قانونی تلقی می‌شد جدا کردن یک نفر و کشتن وی به‌عنوان دفاع مشروع درست نیست و این حق برای دفاع یک کشور در مقابل یک کشور دیگر است نه یک فرد.[[29]](#footnote-29)

**2-1-تروریسم دولتی با پوشش قتل هدفمند**

نکته دیگری که در بحث توسل به‌زور نیاز به توضیح دارد استفاده از مفهوم ابداعی قتل هدفمند است. آمریکا برای توجیه عملیات ناجوانمردانه خود به ترور هدفمند به‌عنوان استثنائی بر اصل ممنوعیت توسل به‌زور استناد می‌کند. کشتار هدفمند مفهومی است که تعریف مشخصی در حقوق بین‌الملل ندارد و می‌توان به‌طورکلی آن را چنین بیان کرد : " توسل عمدی، از روی قصد و از پیش برنامه‌ریزی‌شده به نیروی مهلک توسط دولت‌ها یا ارگان‌های آن‌ها تحت لوای قانون یا به‌وسیلۀ گروه‌های مسلح سازمان‌یافته در مخاصمات مسلحانه علیه اشخاص معینی که به‌طور فیزیکی تحت توقیف مرتکبان قرار ندارند."[[30]](#footnote-30) رژيم اسراييل و دولت آمريكا با دستاويز مبارزه با تروريسم، این مفهوم ابداع نمودند تا كساني را كه به‌زعم آن‌ها تروريست و درواقع مخالف آن‌ها بوده‌اند را ترور کنند. دولت‌های مذكور بر اين اعتقاد هستند كه اگر امكان دستگيري افرادي كه براي سربازان و شهروندان اسراييلي يا آمریکایی، خطر محسوب می‌شوند را نداشته باشند، حق‌دارند آن‌ها را ترور كنند. معمولاً اشخاص هدف، از طريق پهپاد، هواپيما يا با شليك موشك توسط بالگردهای آپاچي و درحالی‌که آن‌ها در خانه، در محل كار يا در ماشين بوده‌اند، هدف حمله قرارگرفته و به قتل رسیده‌اند. مخالفان اعمال اين سیاست‌ها ازجمله متخصصان حقوق بشر، ديده بان حقوق بشر ، سازمان عفو بین‌الملل و سازمان‌ها و نهادهاي حقوق بشري، گزارشگران ويژه حقوق بشر ، ضمن اعلام مغايرت اين اقدامات با موازين حقوق بین‌الملل بشر از اين سياست با عنوان اعدام فرا قضایی و يا ترور نام می‌برند.[[31]](#footnote-31) نکته قابل‌توجه اینکه عليرغم آنكه آمريكا و اسرائیل وانمود می‌کنند در عمليات قتل، تنها آن شخص يا اشخاصي كشته می‌شوند كه قبلاً به غيرنظاميان و يا نظاميان آمریکایی يا اسراييلي آسيب وارد کرده‌اند، در بسياري موارد، غيرنظاميان بی‌گناه نيز درنتیجه حضور در محل مجاور اين حملات، كشته و يا زخمي شده‌اند.[[32]](#footnote-32)

با توجه به این توضیحات حتی اگر بپذیریم که دکترین ابداعی قتل هدفمند قانونی است در عملیات مربوطه باید حقوق بشر و حقوق بشردوستانه در نظر گرفته شوند چه در مورد کشتن و چه در مورد اقداماتی که انجام می‌شود بنابراین کشور اقدام کننده حق ندارد از این روش برای بازدارندگی یا مجازات استفاده کند و باید اثبات شود که عملیات ضروری و متناسب است. باید اطمینان حاصل شود که قبل از استفاده از نیروی مرگبار تمام اقدامات ممکن دیگر صورت پذیرفته و درواقع این آخرین راه‌حل باقی‌مانده است، بنابراین حمله پیشدستانه مشروعیت ندارد.[[33]](#footnote-33)

در قضیه حاضر برای انجام یک قتل هدفمند ایالات‌متحده باید اثبات کند که سردار سلیمانی تهدیدی جدی برای شهروندان آمریکایی بوده است و بنابراین کشتن وی تنها راه‌حل بوده است. قتل هدفمند باید به‌عنوان آخرین حربه در نظر گرفته شود و با توجه به آنکه عملیات صورت گرفته در زمان صلح بوده است امکان هرگونه اقدام دیگری وجود داشته که می‌توانسته تناسب بیشتری با شرایط داشته باشد. بعلاوه با فرض تأیید این تئوری قتل هدفمند علیه اشخاصی صورت می‌پذیرد که ادارۀ بازیگران غیردولتی در دست او است و نه ترور فرمانده رسمی یکی از نیروهای نظامی دولت مستقل و آن‌هم در زمان غیر از مخاصمۀ مسلحانۀ بین‌المللی. آنچه مشخص است، امریکا با این ترور هدفمند، کسانی را هدف قرار داده که در طول سال‌های گذشته ضربات سنگینی به تروریست‌های داعش وارد کرده بودند. هدف قرار دادن سردار سلیمانی، ابو مهدی مهندس و همراهانشان، مصداق بارز تروریسم بین‌الملل است. به‌عبارت‌دیگر، امریکا در حالی اقدام به این ترور کرده بود که دولت‌های امریکا و عراق و ایران، به‌رغم همۀ بحران‌های روابط میان ایران و امریکا، در حال جنگ نیستند، لذا این حمله و کشتار، مصداق بارز ترور است و جنایت تروریسم دولتی از سوی دولت امریکا صورت گرفته است. اگر از منظر حقوق بین‌الملل بشردوستانه نیز موضوع را ملاک قرار دهیم، به دلیل اینکه ایران و امریکا به‌صورت رسمی در جنگ باهم نیستند، لذا هدف گرفتن یک مقام ایرانی، آن‌هم به‌صورت آگاهانه، به‌عنوان یک رفتار در زمان جنگ تلقی نمی‌شود بلکه یک اقدام تروریستی است.[[34]](#footnote-34)

1. **نقض اصل حاکمیت، اصل عدم‌مداخله و ارتکاب جنایت تجاوز نسبت به عراق**

به شهادت رساندن سردار سلیمانی در کشور ثالث عراق می‌تواند نقض اصل حاکمیت عراق تلقی شود مگر آنکه طبق نظر کمیسیون حقوق بین‌الملل شرایطی وجود داشته باشد که غیرقانونی بودن عمل را از بین می‌برد. در می 2003 شورای امنیت بر اساس درخواست آمریکا و انگلیس قطعنامه‌ای را صادر کرد با عنوان "قدرت‌های متصرف تحت فرماندهی واحد"[[35]](#footnote-35) و بر اساس آن حضور آمریکا در عراق با بهانه بازگرداندن حاکمیت عراق، تمامیت سرزمینی و شناسایی حق مردم عراق برای ایجاد یک حکومت مبتنی بر قانون توجیه شد. پس از هجوم ائتلاف بین‌المللي به رهبري ایالات‌متحده به عراق در سال 2003 و سرنگونی حكومت صدام در اين كشور، ایالات‌متحده به‌عنوان قدرت متصرف تا زمان برگزاري انتخابات و تشكيل حكومت جديد، زمام امور را به دست گرفت و به دنبال آن موافقت‌نامه امنیتی بین دو کشور منعقد شد. توافقنامۀ امنیتی سوفا [[36]](#footnote-36) در سال 2009 امضاشده و بر اساس آن نیروهای امریکا باید تا ۱۳ دسامبر سال 2011 از خاک عراق خارج می‌شدند، ولی به بهانۀ مبارزه با گروه تروریستی داعش و البته به درخواست عراق، در این کشور ماندگار شدند. بر اساس این توافقنامه، آمریکایی می‌بایست تمامی تحرکات نظامی خود در خاک عراق را با هماهنگی دولت مرکزی انجام دهد اما در عملیات 3 ژانویه، بند ۳ مادۀ27 توافق‌نامه نقض شده و ایالات‌متحده در اقدام خودسرانه نظامی، به مواضع و محل رفت‌وآمد نیروی نظامی رسمی عراق )حشدالشعبی( حمله کرده و حاکمیت و امنیت عراق را نقض نموده است. علاوه بر این بند 5 ماده 27 که حق دفاع مشروع را براي هر دو طرف به رسميت شناخته است تأکید می‌کند طرفين در سرزمين عراق از حق دفاع مشروع درصورتی‌که مطابق با حقوق بین‌الملل باشد، برخوردار هستند. پس دو شرط برای مشروعیت دفاع از خود در چنین شرایطی مدنظر است: نخست، ضوابط حقوق بین‌الملل كه به‌طورکلی بر هرگونه دفاع مشروعي حاكم هستند و دوم، موافقت‌نامه دوجانبه كه طبق آن حتي اگر بپذيريم دولت ایالات‌متحده دفاع مشروعي كه انجام می‌دهد مطابق موازين حقوق بین‌الملل است، نمی‌تواند از محدودیت‌های موافقت‌نامه رهايي يابد زیرا دولت ایالات‌متحده به لحاظ شكلي موظف شده تا عمليات خود را با هماهنگی دولت عراق به انجام برساند.[[37]](#footnote-37)

آنچه دفاع مشروع را در کشور ثالث میسر می‌کند یا رضایت کشور ثالث برای چنین عملیاتی است و یا ناتوانی یا عدم تمایل کشور ثالث برای انجام اقدام لازم. در غیر این شرایط انجام عملیات در کشور ثالث غیرقانونی است.مسئله رضایت زمانی مطرح می‌شود که دفاع مشروع در یک کشور ثالث انجام‌گرفته است اما این عمل با رضایت آن کشور صورت می‌گیرد. یعنی در فرض حاضر اگر عراق با انجام عملیات در کشور خود توسط ایالات‌متحده موافقت کرده بود حاکمیت عراق نقض نشده بود. شواهد نشان می‌دهد که دولت عراق به‌هیچ‌عنوان به انجام عملیات ترور رضایت نداشته است و اظهارات مسئولان عراقی حاکی از عدم رضایت این کشور نسبت به انجام چنین عملیاتی در خاک عراق بوده است. نخست‌وزیر عراق این حمله را نقض فاحش شرایط مجاز حضور ایالات‌متحده در عراق دانست و نماینده دائم عراق در سازمان ملل نیز تائید کرد که عراق هرگز نسبت به انجام چنین عملیات نظامی در کشورش رضایت نداده و انجام چنین عملیات مرگباری در خاک عراق را نشان‌دهنده نقض جدی استانداردهای بین‌المللی موجود در منشور ملل متحد دانست.[[38]](#footnote-38) وزارت خارجه عراق نیز، ماتیو لوتر سفیر آمریکا در بغداد را احضار و اقدام آمریکا در ترور سپهبد سلیمانی، فرمانده شهید نیروی قدس سپاه پاسداران را محکوم و آن را علاوه بر این نقض حاکمیت عراق توصیف کرد. بعلاوه نمایندگان مجلس عراق، با اشاره به نشانه‌های آشکار نقض مفاد توافقنامه امنیتی منعقده میان دو کشور عراق و آمریکا از سوی طرف آمریکایی و دستاویز قرار دادن اقدامات تجاوزکارانه و غیر مشروع حملات هوایی و هدفمند این کشور که منجر به نقض حقوق بین‌الملل، حقوق بشر و حقوق معاهدات گردیده است، مصوبه اخراج نیروهای نظامی متجاوز آمریکایی از عراق را تصویب نمودند که حکایت از نارضایتی عمیق عراق از عملیات ترور هدفمندانه آمریکا در این کشور دارد.[[39]](#footnote-39) بنا بر تمامی این شواهد فرض رضایت عراق منتفی است.

مورد دیگری که برای رفع مسئولیت ایالات‌متحده برای انجام این عملیات در عراق قابل استناد است آن است که کشور دوم میل یا توانایی برای توقف حملات مسلحانه علیه کشور اول را که در کشور او انجام می‌شود را نداشته باشد.[[40]](#footnote-40) بنابراین پیش از شروع عملیات ایلات متحده باید اثبات می‌کرد که عراق توانایی یا میل حمایت از دیپلمات‌ها و دارایی‌های آمریکایی را در مقابل تهدید فوری توسط سردار سلیمانی را ندارد و بنابراین نیاز به واکنش سریع توسط ایالات‌متحده وجود داشته است تا عدم تمایل یا عدم توانایی کشور عراق را جبران کند. اما ترامپ و حکومتش هرگز به عدم توانایی یا بی‌میلی عراق اشاره نکردند.

با توجه به استدلال‌های فوق عوامل رضایت، عدم توانایی یا بی‌میلی هیچ‌کدام وجود نداشته‌اند تا بتواند انجام عملیات ایالات‌متحده را در عراق توجیه کند. بنابراین این عملیات نقض فاحش حاکمیت عراق بوده است و ازنظر قواعد حقوق بین‌الملل توجیه‌ناپذیر است. گذشته از حمله به نیروهای ایرانی ، حملات امریکا علیه حشد الشعبی که نیروی نظامی کاملاً رسمی در عراق و بخشی از ساختار نظامی این کشور محسوب می‌گردند و تحت امر فرمانده کل نیروهای مسلح این کشور می‌باشند،علاوه بر قاعده آمره عدم توسل به‌زور، نقض آشکار توافقنامۀ امنیتی امضاشده میان دو کشور است [[41]](#footnote-41).بدین ترتیب اصل عدم‌مداخله نیز که از بنیادی‌ترین اصول منشور ملل متحد است و در ماده 2 منشور ملل متحد به آن اشاره‌شده نیز زیر پا گذاشته‌شده است.

ترور سردار سلیمانی و همراهان را می‌توان داخل در تعریف جرم تجاوز نسبت به کشور عراق نیز دانست. مادۀ 8 مکرر اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری[[42]](#footnote-42) جرم تجاوز را چنین تعریف می‌کند: برنامه‌ریزی، تدارک، آغاز یا اجرای اقدام تجاوزکارانه توسط صاحب‌منصبی که به نحو مؤثری اقدام سیاسی یا نظامی یک دولت را کنترل یا هدایت می‌کند، که با توجه به ماهیت، شدت و گستره آن، موجب نقض آشکار منشور ملل متحد می‌شود. در بند ۲ این ماده، مصادیق جرم تجاوز بیان‌شده است.[[43]](#footnote-43) ضمن بند مذکور، موارد مندرج در قطعنامۀ 3314 مجمع عمومی به‌عنوان عمل تجاوز در نظر گرفته‌شده است. به‌موجب بند e مادۀ 3 قطعنامه در تعریف تجاوز مجمع عمومی اگر دولتی که با توافق دولت پذیرنده در سرزمین آن دولت حاضر است، در مغایرت با شرایط مقرر در موافقت‌نامه متوسل به نیروی مسلح شود، این عمل صرف‌نظر از اعلام یا عدم اعلام جنگ، از مصادیق تجاوز خواهد بود به‌این‌ترتیب، نيروي هوايي آمریکایی مستقر در خاك عراق در مغایرت با شرایط مقرر در توافق‌نامه امنیتی موجود با حمله به فرماندهان نظامي ايران و عراق مرتكب عمل تجاوزكارانه نسبت به حاکمیت عراق شده است.

اما در رابطه امکان تلقی عملیات ایالات‌متحده به‌عنوان تجاوز نسبت ایران باید اندکی تأمل کرد زیرا حمله نظامي امريكا در خاک ايران واقع نشده است و ناقض تماميت ارضي و استقلال سیاسی ايران قلمداد نمی‌شود، اما با دقت در مفاد اعلاميه تعريف تجاوز به نظر می‌رسد که بتوان گفت ازآنجاکه نيروهاي مسلح نماد حاكميت يك كشور هستند، حمله مسلحانه ابتدايي به نيروهاي نظامي در صورت برخورداري از شدت كافي به‌منزله حمله عليه دولت متبوع آن‌ها خواهد بود. همان‌گونه که اشاره شد ماده(1) اعلاميه، تجاوز اشاره به استفاده از نيروهاي مسلح توسط يك دولت عليه" حاكميت، تمامت سرزميني يا استقلال سياسي دولت ديگر" كرده است و ماده 2 تصریح می‌کند حمله نيروهاي مسلح كشوري به نيروهاي زميني، دريايي يا هوايي يا ناوگان‌های درياي و هوايي كشور ديگر را تجاوز قلمداد می‌شود گرچه ممكن است شوراي امنيت در تفسير منشور نتيجه بگيرد كه تشخيص وقوع تجاوز در پرتو شرايط مرتبط ديگر ازجمله عدم‌کفایت شدت عمليات يا پيامدهاي آن، موجه نخواهد بود. بنابراين می‌توان نتيجه گرفت كه مطابق مفاد اعلاميه، هرگونه استفاده ابتدايي از نيروهاي مسلح در مغايرت با منشور ملل متحد، در صورت شدت كافي عمليات يا آثار و پيامدهايش، مصداق تجاوز است. ازآنجاکه مغايرت استفاده از نيروهاي مسلح از سوي امريكا در ترور سردار سليماني با منشور ملل متحد طبق آنچه گفته شد واضح است، ظاهراً مصداق تجاوز به شمار می‌رود، مگر آن‌که ادعا شود از شدت كافي برخوردار نبوده است. در اين خصوص هرچند متن اعلاميه تعريف تجاوز و به‌تبع آن اساسنامه رم تحقق عمل تجاوز را به‌کفایت شدت مشروط نكرده است، ليكن به نظر می‌رسد رويه ديوان بین‌المللي دادگستري موافق با لزوم چنين شرطي است. اما، ديوان در قضيه سكوهاي نفتي اظهار داشته است كه مین‌گذاری يك كشتي نظامي می‌تواند مصداق حمله‌ی مسلحانه‌ای باشد طبق نظر ديوان مین‌گذاری يك كشتي نظامي اگرچه به لحاظ مكاني و زماني فاقد گستردگي و استمرار است، ليكن به لحاظ اهميت می‌تواند مصداق حمله‌ی مسلحانه‌ای باشد كه حمله‌ی متقابل نظامي را به‌عنوان اِعمال حق دفاع از خود توجيه كند[[44]](#footnote-44) معيار شدت موردنظر ديوان تنها محدود به گستره‌ی مكاني و زماني نيست، بلكه كيفيت و عمق حمله نيز می‌تواند به‌عنوان معيار شدت مورد ملاحظه واقع شود. بنابراین اگرچه تجاوز به عراق را می‌توان حتمی دانست در رابطه ارتکاب تجاوز نسبت به ایران تا زمانی که موضوع در دیوان کیفری بین‌المللی مطرح نشده نمی‌توان با قطعیت نظر داد.

1. **نقض حقوق بشر و حقوق بشردوستانه**

حمله نظامي آمریکا به دستور مستقیم رئیس‌جمهور آمریکا به اتومبیل حامل سردار سلیمانی که به دعوت رسمی دولت عراق، به‌صورت قانوني و خارج از شرايط جنگي به اين كشور واردشده بود باعث شد که مجامع حقوق بشري نسبت به این حمله واکنش نشان دهند. در وهله اول تجاوز آمریکا در حمله به کاروان سردار سلیمانی، ناقض اصل احترام به رعایت حقوق بشر و حق حیات است، زیرا علاوه بر سردار سلیمانی و ابومهدی مهندس، جان افراد بی‌گناه دیگری نیز در این حمله گرفته شد که هیچ اتهامی متوجه آن‌ها نبوده است . لزوم احترام و تضمین حق حیات افراد بشر، متضمن این معناست که باید از سلب حق حیات انسان‌ها به‌صورت خودسرانه و غیرقانونی اجتناب گردد .ازجمله قواعد حقوق بشری که می‌توان در این رابطه موردبررسی قرارداد، بند 1 مادۀ 6میثاق حقوق مدنی و سیاسی در رابطه با حق حیات است. محرومیت از حق حیات افراد، حتی در زمان مخاصمات مسلحانه نیز ممنوع است و به‌عنوان حق اساسی انسانی شناخته‌شده است. بر اساس قواعد حقوق بشر استفاده از نیروی مهلک عامدانه و یا بالقوه تنها زمانی الزام‌آور است که فرد یا افراد موردنظر، تهدیدی قریب‌الوقوع برای حیات انسان‌های دیگر به شمار آیند؛ بنابراین با توجه به استدلال‌هایی که ارائه شد حملۀ قریب‌الوقوعی از جانب سردار سلیمانی صورت نگرفته بود، و سند موثقی نیز در این مورد وجود ندارد تا آمریکا بر مبنای آن ادعا کند که ضرورت ایجاب می‌کرده برای حفظ جان خود به‌سرعت برای دفع خطر وی، وارد عمل شوند؛ لذا محروم کردن سردار سلیمانی و همراهانش از حق حیات، با توسل به راهبرد ترور هدفمند از سوی امریکا، درواقع اعدام فرا قضائی و نامشروع است. اقدامی که می‌توان آن را نقض اصول اساسی حقوق بین‌الملل ازجمله منع سلب حیات به‌عنوان قاعدۀ آمره و متعاقب آن، نقض حقوق بشر دانست. [[45]](#footnote-45)

از منظر حقوق بین‌الملل بشردوستانه ، با توجه به اینکه ایران و امریکا به‌صورت رسمی در جنگ باهم نیستند، لذا هدف گرفتن یک مقام ایرانی، آن‌هم به‌صورت آگاهانه، به‌عنوان یک رفتار در زمان جنگ تلقی نشده و یک اقدام تروریستی است. هدف اصلی حقوق بشردوستانه حمایت از حیات، سلامت و کرامت غیرنظامیان و رزمندگانی است که صحنه درگیری را ترک کرده‌اند.[[46]](#footnote-46) نکته قابل‌توجه در بحث ترور هدفمند آن است مهم‌ترین اصلي كه در چنین عملياتی نقض می‌شود اصل تفكيك است چراکه به‌واسطه عدم تفکیک بسیاری غیرنظامیان نیز کشته می‌شوند و یا صدمه می‌بینند ازنظر حقوق بشردوستانه اصل تفکیک[[47]](#footnote-47) و اصل تناسب نقض شده است لذا ازنظر حقوق بین‌الملل بشر ترور هدفمند در حكم اعدام فرا قضايي بوده و ناقض حق حيات است و حق حیات سلب ناشدنی است مگر در موارد محدود و تحت شرایط خاص. معیارهایی مانند ضرورت ، تناسب، اجتناب‌ناپذیری، فوریت، قریب‌الوقوع بودن تهدید که قبلاً به آن‌ها اشاره کردیم از این معیارهاست .وجود این معیارها نشان می‌دهد که سلب حق حیات اگرچه مذموم است، اما به‌عنوان یکی از واقعیت در مخاصمات مسلحانه انکارپذیر نیست،.نکته قابل‌تأمل آن است که رویکرد حقوق بشر به ترور هدفمند، ناظر بر ممنوعیت آن در ذیل تعهد به احترام و تضمین حق حیات انسانی است و موارد استثنای آن در چارچوب مخاصمات مسلحانه و نظام حقوق بشردوستانه است. این همان مسئله‌ای است که رژیم صهیونیستی و آمریکا به‌شدت از آن احتراز می‌کنند و می‌کوشند اقدامات خود را خارج از چارچوب نظام حقوق بشردوستانه و حقوق بشر توجیه نمایند.[[48]](#footnote-48)

اگنس کالامارد گزارشگر ویژه اعدام‌های خودسرانه و فرا قضایی سازمان ملل در رشتۀ توییت های خود در این خصوص اشاره داشته است که اقدام به ترور هدفمند، هیچ انطباقی با حملۀ قریب‌الوقوع ندارد که حقوق بین‌المللی برای توجیه اقدام در جهت دفاع از خود ضروری می‌داند. از منظر کالامارد استفاده از پهپادها و سایر تجهیزات نیز برای ترور هدفمند به‌هیچ‌وجه قانونی نیست. بر اساس قوانین بین‌الملل حقوق بشر، استفاده از تسلیحات مرگبار تنها زمانی می‌تواند مورداستفاده قرار بگیرد که برای دور کردن یک تهدید جدی به این تجهیزات نیاز اساسی وجود داشته باشد. زمانی یک دولت می‌تواند اقدام خود را برای قتل هدفمند توجیه کند که، اولاً: هیچ راهکار دیگری که غیر خون‌بار و غیر کشنده باشد در دسترس نباشد، ثانیاً: در پرتوی اصل ضرورت اقدام نظامی، مزیت نظامی حاصل از عملیات مزبور در سایۀ اصول تناسب و احتیاط در حقوق بشردوستانۀ بین‌المللی قابل توجیه باشد. با توجه به فقدان این دو معیار، به نظر می‌رسد حقوق بشردوستانۀ بین‌المللی، قتل هدفمند امریکا را تأیید نمی‌کند[[49]](#footnote-49).

در رابطه با استفاده از هواپیماهای بدون سرنشین یا پرنده هدایت‌پذیر از راه دور(پهپاد)[[50]](#footnote-50) برای انجام عملیات لازم به ذکر است که استفاده از هواپیماهای بدون سرنشین ذاتاً ممنوع نیست خصوصاً اینکه امروزه ادعا می‌شود این وسیله برای مبارزه با تروریسم مورداستفاده قرار می‌گیرد. بااین‌حال به‌مرورزمان انتقادهای در رابطه با استفاده از هواپیماهای بدون سرنشین برای قتل هدفمند مطرح‌شده است. جهت شفاف‌سازی مسئله مجمع عمومی سازمان ملل در قطعنامه 178/68 در حمایت از حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین در زمان مبارزه با تروریسم[[51]](#footnote-51) در پاراگراف 6 قسمت f بیان می‌دارد که کشورهای عضو تأکیددارند که اطمینان حاصل شود هر اقدام انجام‌شده یا وسایل بکار گرفته‌شده برای مبارزه با تروریسم که شامل استفاده هواپیماهای بدون خلبان با وظایف دولت‌ها تحت حقوق بین‌الملل ازجمله منشور ملل متحد، حقوق بشر و حقوق بشردوستانه و اصول تمایز و تناسب مطابقت داشته باشد.[[52]](#footnote-52) البته صدور این قطعنامه بنا بر گزارش‌هایی بود که گزارشگران ویژه سازمان ملل تهیه‌کرده بودند و بر آن اساس معتقد بودند ایالات‌متحده در سال‌های گذشته در کشورهای مختلفی همچون یمن و پاکستان عملیاتی را انجام داده که مغایر با حقوق بشر و حقوق بشردوستانه بوده‌اند که نشان از بی‌توجهی به قواعد حقوق بین‌الملل و شرایط اجرای این قواعد از جانب ایالات‌متحده دارد. [[53]](#footnote-53)

گزارشگر ویژه سازمان ملل در مورد اعدام‌های فرا قضایی، سریع یا خودسرانه ، اگنس کالامارد ابراز کرده که «ما اکنون با این چشم‌انداز واقعی روبرو هستیم که دولت‌ها ممکن است حذفِ راهبردی مقامات بلندپایه نظامی را در خارج از چارچوب یک جنگ آشکار انتخاب کنند و سپس بکوشند تا این قتل را بر پایه گنجاندن هدف موردنظر در زمره "تروریست‌هایی که عامل یک تهدید نامعلوم در آینده هستند" توجیه کنند. خانم کالامارد همچنین اعلام کرده که قتل قاسم سلیمانی و ابوالمهدی المهندس به‌احتمال‌زیاد غیرقانونی و ناقض مقررات حقوق بین‌الملل بشر است و بنابراین این امر باید ترور یا اعدام فرا قضایی تلقی شود.

جان بولتون مشاور سابق امنیت ملی آمریکا با پاسخی گستاخانه بر بی‌توجهی آمریکا نسبت به موازین بین‌المللی صحه گذاشت و در صفحه رسمی خود در توییتر درباره اظهارات کالامارد، نوشت: انتقاد جدید از سوی شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد که حمله به سردار شهید سلیمانی را غیرقانونی خوانده، بی‌اساس است. دقیقاً به همین دلیل است که ما از شورای حقوق بشر سازمان ملل خارج شدیم. ما پاسخگوی هیچ قدرت بالاتری در سازمان ملل متحد نیستیم و نیازی هم نداریم که کسی به ما درباره نحوه اجرای قانون اساسی آمریکا مشاوره بدهد!

نکته دیگری که نشان از بی‌توجهی به قواعد حقوق بین‌الملل و شرایط اجرای این قواعد از جانب ایالات‌متحده دارد آن است که همان‌گونه که اشاره شد حمله پهپادی3 ژانویه منجر به مرگ افراد دیگری که با سردار سلیمانی هم‌سفر بودند گردید . حتی اگر ایالات‌متحده بتواند قتل سردار سلیمانی را با دلایل و اسناد واهی توجیه کند، قتل این افراد این افراد کاملاً خارج از حوزه اقدامات مشروع آمریکا قرار خواهد گرفت. حتی در درگیری‌های نظامی قتل افرادی که در مبارزه نقشی ندارند نشان از نقض فاحش وظیفه دولت‌ها در مورداحترام و اطمینان از حق زندگی شهروندان دارد.

1. **نقض مصونیت دیپلماتیک**

كنوانسيون  **راجع به جلوگیری و مجازات جرائم علیه اشخاص موردحمایت‌ بین‌المللی من‌جمله مأمورین** دیپلماتیک مصوب 14 دسامبر 1973 در زمره معاهدات مقابله با تروريسم محسوب مي‌گردد و بر اساس آن، تهديد، اقدام يا مشاركت در حمله به مأموران ديپلماتيك و ديگر افراد تحت حمايت بين‌المللي جرم شناخته مي‌شود و دولت‌های عضو مكلف هستند در صورت حضور مرتكبين اين جرائم در خاك خود، اين افراد را محاكمه و مجازات نموده يا اينكه به دولت‌های ذی‌نفع مسترد دارند. هر سه کشور ایران، عراق و آمریکا عضو این کنوانسیون هستند. طبق ماده 2 این کنوانسیون، هرگونه فعل عمدی منجر به قتل و آدم‌ربایی یا حملات دیگر علیه شخصیت و آزادی افراد موردحمایت یا حمله به مکان مأموریت و محل اقامت و وسیله نقلیه اشخاص ذکرشده در کنوانسیون و یا تهدید یا شروع به ارتکاب اعمال مندرج در کنوانسیون یا معاونت در آن بر اساس قوانین داخلی دولت عضو، جرم محسوب می‌شود. این کنوانسیون بر ویژگی قربانی یا شخص موردحمایت بین‌المللی تمرکز دارد و به ماهیت مرتکب جرم نمی‌پردازد. درواقع، به‌صرف ارتکاب عمدی جرائم و اعمال پیش‌بینی‌شده در کنوانسیون ازجمله قتل و آدم‌ربایی نسبت به افراد موردحمایت بین‌المللی تعهدات مندرج در کنوانسیون نقض خواهد شد.[[54]](#footnote-54)

در رابطه با عمدی بودن این ترور بر اساس شواهد و اظهارات مقامات آمریکایی شکی نیست. به لحاظ شمول حمایت‌های این کنوانسیون در مورد سردار سلیمانی ، ایشان را می‌توان بر اساس بند ب از ماده (1) این **کنوانسیون** به‌عنوان شخص حمایت‌شده بین‌المللي تلقي كرد. این بند مقرر می‌دارد :کليه نمايندگان و کارمندان يا شخصیت‌های رسمي هر کشور يا هر کارمند و شخصيت رسمي يا مأمور ديگر يکي از سازمان‌های بین‌المللي يا بين دول هنگام وقوع جرم علیه شخص او يا اماکن رسمي و محل سکني شخصي و يا وسایل نقليه، او، حق دارد به‌موجب حقوق بین‌الملل از حمايت مخصوص در مقابل ايراد لطمه به شخص و آزادي و حيثيت و اعضاي خانواده خود که با او زندگي می‌کنند برخوردار گردد**.**

سردار سلیمانی با دعوت دولت عراق و در قالب یک مأموریت ویژه به‌عنوان یک دیپلمات وارد عراق شده بود و توسط معاون سازمان حشدالشعبی مورد استقبال قرارگرفته بود که نشان از رسمی بودن سفر ایشان به عراق دارد لذا به‌عنوان یک مأمور دیپلماتیک شامل حمایت کنوانسیون ویژه مأموریت‌های دیپلماتیک می‌شود و عمل آمریکا در رابطه با ترور ایشان نقض این کنوانسیون بین‌المللی نیز تلقی می‌گردد.[[55]](#footnote-55)

1. **ارتکاب تروریسم دولتی به بهانه مبارزه با تروریسم با استناد به قوانین داخلی آمریکا و دستورالعمل اتحادیه اروپا**

نکته قابل‌توجه دیگر استناد آمریکا به قوانین داخلی خود برای ترور سردار سلیمانی است .پس از واقعه 11 سپتامبر دو قانون در ایالات‌متحده به‌عنوان مبارزه با تروریسم تصویب شد که در حقیقت دست این کشور را برای از میان برداشتن مخالفان خود در سراسر جهان زیرپوشش مبارزه با تروریسم باز گذاشت. [[56]](#footnote-56) در 14 سپتامبر 2001كنگره به رئیس‌جمهور اجازه داد عليه القاعده و يا هر نيروي تروريستي كه وابسته به عمليات 11 سپتامبر بوده است از زور استفاده كند. دولت‌های اوباما و ترامپ از همين قانون جهت اعمال زور عليه داعش در عراق و سوريه استفاده كردند. لازم به ذكر است كه در جولاي 2019 سخنگوي پنتاگون اعلام كرده بود كه ما براین باور نيستيم كه بتوان از قانون سال 2001 عليه ايران استفاده كرد.در سال 2002 قانون دیگری تصویب شد که به رئیس‌جمهور مجوز استفاده از نيروي نظامي را می‌داد تا در برابر تهديدات مداوم عراق از زور استفاده كند. آمريكا از سال 2003 تا 2011 كه اوباما بخش زيادي از نيروهايش را از عراق خارج كرد در پاسخ نظامي به حملات گروه‌های عراقي مخالف كه به ادعاي آمريكا بعضاً وابسته به ايران بودند از همين قانون استفاده كرد. دولت ترامپ جهت توجيه حقوقي عمليات ترور شهيد قاسم سليماني به همين قانون استناد كرد. در گزارش دولت ترامپ به كنگره آمريكا آمده بود كه چون سردار سليماني از گذشته در اقداماتي دست داشته كه با به خطر انداختن جان آمریکایی‌ها در عراق به ثبات و صلح در عراق نيز لطمه وارد كرده است، ترور او بر اساس قانون سال 2002 وجاهت دارد. بسياري از حقوقدانان آمریکایی معتقد هستند كه نمی‌توان ترور سردار قاسم سليماني را به‌موجب قوانين خاص اجازه اعمال زور نظامي مصوب سال‌های 2001 و 2002 توجيه كرد زيرا قوانين مذكور در يك بستر زماني و در ارتباط با گروه‌های خاص بوده و از آن نمی‌توان عليه ايران استفاده كرد. حتی در صورت مجاز بودن این عمل به اعتقاد بسياري از حقوقدانان آمریکایی و اكثريت نمايندگان كنگره، ترور سردار سليماني نيازمند اخذ مجوز خاص از طرف كنگره بوده است و رئیس‌جمهور حق نداشته است رأساً ایالات‌متحده را با خطر جنگ با ايران مواجه سازد. رئيس كميسيون سياست خارجي كنگره آمریکا نيز اعلام داشت كه محتواي گزارش كاخ سفيد به كنگره نيز نشان می‌دهد كه برخلاف ادعاي اوليه رئیس‌جمهور، وجود شواهدي مبني بر وجود تهديد قریب‌الوقوع از سوي سردار سليماني نسبت به جان نظاميان آمریکایی اثبات نشده است.[[57]](#footnote-57) لذا استناد آمریکا به قانون استفاده از نیروی نظامی 2001 و 2002 توجیه‌پذیر نیست مضافاً اینکه آمريكا نمی‌تواند قوانين خود را به‌صورت فرا سرزمینی اجرا كند. به‌علاوه در سال 1976 دستور اجرای منع ترور به شماره 12333 صادر شد که ترور افراد را توسط دولت ایالات‌متحده ممنوع می‌کند. دستور اجرايي روساي جمهور آمريكا مبني بر منع ترور، براي جلوگيري از اقدام نهادهاي اطلاعاتي و نظامي آمريكا در ترور مقامات و رهبران ديگر كشورها صادرشده و ترور سردار سليماني به‌عنوان يك مقام نظامي عالی‌رتبه ايراني، مشمول اين ممنوعيت است.[[58]](#footnote-58) بنابراین درهرحال استناد به قوانین داخلی آمریکا جهت مشروعیت دادن به ترور سردار سلیمانی وجاهت قانونی ندارد.

ادعاي ديگري كه ممكن است به لحاظ حقوقي از سوي آمريكا مطرح شود، اين است كه نام سردار سليماني و سپاه قدس جمهوري اسلامي ايران در ضمیمه دستورالعمل اتحاديه اروپا كه در راستاي مبارزه با تروريسم[[59]](#footnote-59) تصویب‌شده درج‌شده بود و سپاه قدس در آمریکا و کانادا نیز به‌عنوان یک گروه تروریستی مورد تحریم قرارگرفته بود. ازآنجاکه قطعنامه 1۳6۸ شورای امنیت سازمان ملل متحد (2001) دفاع مشروع در مقابل فعالیت‌های تروریستی را تجویز نموده است و آمریکا در اقدام به ترور سپهبد سلیمانی در راستای دفاع مشروع در مقابل فعالیت‌های تروریستی عمل نموده است، این اقدام، متخلفانه نیست. در پاسخ باید گفت آمریکا در حالی سپاه پاسداران را در 8 آوریل 2019 در فهرست سازمان‌های تروریستی معرفی کرده که این نهاد در قانون اساسی ایران جایگاه معناداری دارد و جزئی از حاکمیت رسمی ایران به‌حساب می‌آید و اصولاً با ترورهای هدفمند پیشین آمریکا[[60]](#footnote-60) که در فهرست گروه‌های تروریستی آمریکا و سازمان ملل بوده‌اند، متفاوت است و در فهرست گروه‌های تروریستی سازمان ملل نیست. آمریکا نمی‌تواند به‌طور یک‌جانبه سپاه پاسداران را گروه تروریستی اعلام کرده و به نبرد با آن بپردازد. با توجه به اینکه سپاه یک رکن نظامی اصلی ایران است و قوانین کنوانسیون‌های چهارگانۀ ژنو بر نیروهای نظامی و روابط سازمانی آن حکم‌فرما است ،امکان تروریستی تلقی کردن آن وجود ندارد. [[61]](#footnote-61) دستورالعمل اتحاديه اروپا نيز تنها در مرزهاي اين اتحاديه قابل استناد است و نمی‌توان آن را در همه جاي جهان و نسبت به همه بازيگران جامعه بین‌المللي اجرا نمود. شايد اگر سردار سليماني در مرزهاي اتحاديه اروپا حضور داشت يا نام او در ضمیمه يكي از قطعنامه‌های شوراي امنيت سازمان متحد درج‌شده بود، نتیجه‌گیری متمايزي قابل‌پذیرش بود. اما، در وضعيت کنونی نمی‌توان اين استدلال را پذيرفت.[[62]](#footnote-62)

آنچه مشخص است، امریکا با این ترور هدفمند، فرماندهانی را هدف قرار داده که در طول سال‌های گذشته ضربات سنگینی به تروریست‌های داعش وارد نموده بودند و امریکا در حالی اقدام به هدف‌گیری مستقیم و به شهادت رساندن سردار قاسم سلیمانی و ابومهدی المهندس و همراهانشان کرده بود که دولت‌های امریکا و عراق و ایران، به‌رغم همۀ بحران‌های روابط میان ایران و امریکا، در حال جنگ نیستند. لذا این حمله و کشتار، مصداق بارز جنایت تروریسم دولتی از سوی دولت امریکا است.[[63]](#footnote-63)

**نتیجه‌گیری**

با توجه به مباحث طرح‌شده حمله تروریستی 3 ژانویه 2020در صورتی تحت عنوان دفاع مشروع قابل توجیه بود که ایالات‌متحده می‌توانست اثبات کند که ایران انجام عملیاتی نسبت به کارکنان و پایگاه‌های آمریکایی را دنبال می‌کرده و سردار سلیمانی عملاً در طراحی این حملات نقش داشته است، ترور سردار سلیمانی تنها راه جلوگیری از این حملات بوده و به شهادت رساندن او باعث توقف آن حملات شده است. تاکنون آمریکا عاجز از ارائه هرگونه دلیلی برای اثبات این موارد بوده است. هیچ‌گونه تهدید فوری وجود نداشته، درگیری مسلحانه‌ای بین دو طرف در جریان نبوده و قتل شهید سلیمانی عملیاتی فاقد ضرورت و تناسب تلقی می‌شود. آمریکا هیچ دلیل متقنی در رابطه با دست داشتن سردار سلیمانی در اقدامات تروریستی و کشتن سربازان آمریکا پیش از ژانویه 2020 ندارد بنابراین ترور ناجوانمردانه ایشان مصداق بارز قتل خودسرانه بوده است.نکته دیگری که در محاسبات ترامپ به‌عنوان صادرکننده دستور این ترور در نظر گرفته نشده بود این بود که فرمانده عالی‌رتبه یک کشور را در کشور ثالث به شهادت رساند و وظایف بین‌المللی(اگر فرض شود که وجود داشته) را بسیار وسیع تفسیر کرده و خطوط قانونی را زیر پا گذاشته است. مضافاً اینکه اصولاً دفاع مشروع در روابط میان دو دولت مطرح می‌شود و ترور فرمانده نظامی دولتی که هیچ مخاصمه‌ای را آغاز نکرده است با ادعای دفاع مشروع متناقض با مبانی دفاع مشروع است. استناد به دکترین دفاع مشروع پیشدستانه نیز کمکی به این دولت نمی‌کند زیرا علاوه بر اینکه این دکترین از سوی حقوقدانان و مراجع قضائی بین‌المللی موردپذیرش قرار نگرفته، شرایط اولیه استناد به این دکترین نیز در قضیه حاضر وجود ندارد. ترور هدفمند سردار سلیمانی که بدون اطلاع و توافق دو کشور آمریکا و عراق اتفاق افتاده و موجب صدمه به نیروی حشد الشعبی که بخشی از ساختار نظامی عراق است شده نقض موافقت‌نامه منعقده میان دو کشور و همین‌طور حاکمیت کشور عراق تلقی می‌شود و بدین ترتیب علاوه بر اصل عدم توسل به‌زور ، اصول عدم‌مداخله و احترام به حاکمیت دولت‌ها که در زمره قواعد آمره حقوق بین‌الملل هستند به شکل بارز توسط آمریکا نقض شده‌اند.

اشاره مقامات آمریکایی به اینکه تلفات جانی که به‌زعم آنان توسط سردار سلیمانی به سربازان آمریکایی وارد آمده علت اصلی انجام ترور بوده نشان می‌دهد که این عملیات نه برای پیشگیری بلکه برای انتقام‌جویی انجام‌گرفته است. باید اضافه کرد که حتی اگر ادعای آمریکا در رابطه با فعالیت‌های سردار سلیمانی ادعایی درست می‌بود ایالات‌متحده اجازه نداشته رأساً دست به عمل بزند و می‌بایست از طریق مراجع بین‌المللی اقدام می‌کرد. قتل سردار سلیمانی درواقع اعدام فرا قضائی فرمانده بزرگ یک کشور در کشوری ثالث و بدون هرگونه انطباقی با استانداردهای بین‌المللی است. افزایش قدرت و اثرگذاری ایران و سردار سلیمانی به‌عنوان فرمانده سپاه قدرتمند قدس در منطقه خاورمیانه موجبات وحشت ایالات‌متحده را فراهم آورد. ترور سردار سلیمانی در لیست طولانی فعالیت‌های نظامی خودسرانه ایالات‌متحده قرار می‌گیرد که جامعه جهانی را تهدید می‌کند.

**فهرست منابع**

**منابع فارسی**

* امینی اعظم و بذار وحید، امکان‌سنجی پیگیری قضایی ترور سردار سلیمانی در دیوان کیفری بین‌المللی و دیوان بین‌المللی دادگستری، فصلنامه پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب، سال هفتم ، شماره دوم، تابستان 1399.

حسینی اکبر نژاد، هاله و حوریه حسینی اکبر نژاد، ترور هدفمند: نقض اصل عدم تقابل در تعهدات بنیادین حقوق بشر و حقوق بشردوستانه ، 1397پژوهش‌های حقوقی، شماره 35 .

* دهنوی وحید و دیگران،مسئولیت بین‌المللی امریکا در قبال ترور شهید قاسم سلیمانی و ظرفیت‌های حقوقی پیگیری قضایی جمهوری اسلامی ایران، نشریه علمی آفاق امنیت، شماره 48، پاییز 1399.

زمانی سید قاسم و برلیان پویا، آمریکایی سازی حقوق بین‌الملل و چالش‌های فراروی جامعه بین‌المللی: ترور هدفمند سردار قاسم سلیمانی ، فصلنامه پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب، سال هفتم، شماره دوم، تابستان 1399.

* عزیزی ستار، قتل هدفمند از نگاه حقوق بین‌الملل و حقوق داخلی ایالات‌متحده آمریکا : مطالعه موردی ترور سردار سلیمانی، فصلنامه پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب- سال هفتم- شماره دوم- تابستان 1399.

فضائلی مصطفی، ترور سردار سلیمانی از منظر حقوق بین‌الملل توسل به‌زور ، فصلنامه پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب- سال هفتم ، شماره دوم، تابستان 1399.

فقیه حبیبی، علی، جایگاه حقوق بشردوستانه در اسلام و اسناد بین‌المللی، پژوهش‌های جهان اسلام، 1395، دوره 6، شماره 2.

قاسمی غلامعلی و ستایش محمد، کاربست پهپادها در پهنه فرا سرزمینی از نگاه حقوق بین‌الملل، فصلنامه علمی-ترویجی مطالعات پلیس بین‌الملل/ دوره دهم/ شماره 37/ بهار 1398 .

کرم زاده سیامک و عابدینی عبدالله، ابعاد حقوقی به شهادت رساندن سپهبد قاسم سلیمانی توسط ایالات‌متحده در عراق، فصلنامه پژوهش تطبیقی حقوق ایلام و غرب- سال هفتم- شماره دوم ، تابستان 1399.

منتظران جاوید و جعفری سیداصغر ترور شهید سپهبد سلیمانی از منظر قواعد حقوق بین‌الملل و حقوق بشردوستانه با تأكید بر رسالت رسانه‌های برون‌مرزی ، پژوهشنامه رسانه بین‌الملل/ سال پنجم/ شماره پنجم/بهار و تابستان1399.

موسوی، سید فضل الله و حاتمی مهدی دفاع مشروع پیش‌دستانه در حقوق بین‌الملل ، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره 72، تابستان 1385.

یاقوتی محمدمهدی، فصلنامه سیاست خارجی، سال بیست و پنجم، شماره 4، زمستان 1390.

**منابع انگلیسی**

* ALSTON, P., The CIA and Targeted Killings Beyond Borders, New York University Public Law and Legal Theory Working Papers, Paper 303.

Arend Anthony Clark, International Law and the Preemptive Use of Military Force (2003) The Washington Quarterly, 26:2.

* Effendi Hilmi Dwi and others, The role of International Criminal Court on Assassination of Qaseem Soleimani, Journal of International Criminal Justice, January 2021, available at <https://www.researchgate.net/publication/348729775_THE_ROLE_OF_THE_INTERNATIONAL_CRIMINAL_COURT_ON_THE_ASSASSINATION_OF_QASSEM_SOLEIMANI>, last visited on 2021,6,29.

JERVIS R., Understanding the Bush Doctrine, (2003), in Political Science Quarterly, Vol. 118, N.3 .

* O’CONNELL M.E., The killing of Soleimani and International Law, in EjilTalk, available at: https://www.ejiltalk.org/the-killing-of-soleimani-and-international-law/.

**اسناد**

* COMMITTEE ON USE OF FORCE, Final Report on the Meaning of Armed Conflict in International Law, in International Law Association, (The Hague, 2010) . ICJ, Military, Judgement, ICJ Reports 1986
* General Assembly, Resolution 68/17884 on the protection of human rights and fundamental freedoms while countering terrorism
* Military and Paramilitary Activities in and Against Nicaragua (Nicaragua v. United States of America) Merits, Judgment, I.C.J. Reports 1986

The Authorization for Use of Military Force, )AUMF 2001 and 2002(

UNHRC, Special Rapporteur, A/71/384

* United Nations Charter
* United Nations General Assembly, Resolution 68/178, 18 December 2018, A/RES/68/178 available at:https://digitallibrary.un.org/record/764419?ln=en.
* United Nations Human Rights Committee,Concluding Observations of the Human Rights Committee:Israel,15, UNDoc. CCPR/GO/78/ISR, August 21st, 2003
* United Nations Security Council, Identical Letters dated 6 January 2020 from the Permanent Representative of Iraq to the United Nations Addressed to the President of the Security Council, S/2020/15, January 6 2020, UN Doc. S/2020/15,New York.
* United Nations Security Council, Letter Dated 8 January 2020 from the Permanent Representative of the United States of America to the United Nations Addressed to the President of the Security Council, UN Doc S/2020/20 (Jan. 9, 2020),New York.

1. عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شیراز، گروه حقوق بین‌الملل، شیراز، ایران. [↑](#footnote-ref-1)
2. United Nations Security Council, Letter Dated 8 January 2020 from the Permanent Representative of the United States of America to the United Nations Addressed to the President of the Security Council, UN Doc S/2020/20 (Jan. 9, 2020),New York. [↑](#footnote-ref-2)
3. ماده 1 منشور ملل متحد [↑](#footnote-ref-3)
4. ماده 41- شورای امنیت می‌تواند تصمیم بگیرد که برای اجرای تصمیمات آن شورا مبادرت به چه اقداماتی که متضمن به‌کارگیری نیروی مسلح نباشد لازم است و می‌تواند از اعضای ملل متحد بخواهد که به این قبیل اقدامات مبادرت ورزند این اقدامات ممکن است شامل متوقف ساختن تمام یا قسمتی از روابط اقتصادی و ارتباطات راه‌آهن ، دریایی ، هوایی ، پستی ، تلگرافی ، رادیویی و سایر وسائل ارتباطی و قطع روابط سیاسی باشد.

   ماده 42- درصورتی‌که شورای امنیت تشخیص دهد که اقدامات پیش‌بینی‌شده در ماده 41 کافی نخواهد بود یا ثابت‌شده باشد که کافی نیست می‌تواند به‌وسیله نیروهای هوایی – دریایی یا زمینی به اقدامی که برای حفظ یا اعاده صلح و امنیت بین‌المللی ضروری است مبادرت کند. این اقدام ممکن است مشتمل بر تظاهرات و محاصره و سایر عملیات نیروهای هوایی – دریایی یا زمینی اعضای ملل متحد باشد. [↑](#footnote-ref-4)
5. Arend Anthony Clark, International Law and the Preemptive Use of Military Force (2003) The Washington Quarterly, 26:2, pp. 89-103. [↑](#footnote-ref-5)
6. حشد الشعبی به‌موجب قانوني كه در 6 آذر 1395 مصادف با 26نوامبر 2016 به تصويب پارلمان عراق رسيده اين نيرو بخشي از نيروهاي مسلح عراق به شمار رفته و تحت فرماندهي كل نيروهاي مسلح قرارگرفته است. پيش از تصويب اين قانون نيز در سپتامبر 2015 حيدر العبادي نخست‌وزیر وقت عراق اعلام كرد كه گروه‌های حشدالشعبي بخشي از نيروهاي حكومتي عراق هستند. [↑](#footnote-ref-6)
7. فضائلی مصطفی، ترور سردار سلیمانی از منظر حقوق بین‌الملل توسل به‌زور ، فصلنامه پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب- سال هفتم ، شماره دوم، تابستان 1399، ص 171 [↑](#footnote-ref-7)
8. O’CONNELL M.E., The killing of Soleimani and International Law, in EjilTalk, available at: https://www.ejiltalk.org/the-killing-of-soleimani-and-international-law/. [↑](#footnote-ref-8)
9. COMMITTEE ON USE OF FORCE, Final Report on the Meaning of Armed Conflict in International Law, in International Law Association, (The Hague, 2010) pp. 1-2. [↑](#footnote-ref-9)
10. Ibid [↑](#footnote-ref-10)
11. ICJ, Military, Judgement, ICJ Reports 1986, par. 191. [↑](#footnote-ref-11)
12. Ibid, par. 195 [↑](#footnote-ref-12)
13. قاسمی غلامعلی و ستایش محمد، کاربست پهپادها در پهنه فرا سرزمینی از نگاه حقوق بین‌الملل، فصلنامه علمی-ترویجی مطالعات پلیس بین‌الملل/ دوره دهم/ شماره 37/ بهار 1398 ، ص 107. [↑](#footnote-ref-13)
14. حسینی اکبر نژاد، هاله و حوریه حسینی اکبر نژاد، ترور هدفمند: نقض اصل عدم تقابل در تعهدات بنیادین حقوق بشر و حقوق بشردوستانه ، 1397پژوهش‌های حقوقی، شماره 35 ،ص 216 . [↑](#footnote-ref-14)
15. Effendi Hilmi Dwi and others, The role of International Criminal Court on Assassination of Qaseem Soleimani, Journal of International Criminal Justice · January 2021, available at <https://www.researchgate.net/publication/348729775_THE_ROLE_OF_THE_INTERNATIONAL_CRIMINAL_COURT_ON_THE_ASSASSINATION_OF_QASSEM_SOLEIMANI>, last visited on 2021,6,29. [↑](#footnote-ref-15)
16. عزیزی ستار، قتل هدفمند از نگاه حقوق بین‌الملل و حقوق داخلی ایالات‌متحده آمریکا : مطالعه موردی ترور سردار سلیمانی، فصلنامه پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب- سال هفتم- شماره دوم- تابستان 1399، ص 135-134. [↑](#footnote-ref-16)
17. فضائلی مصطفی، پیشین، ص 166. [↑](#footnote-ref-17)
18. امینی اعظم و بذار وحید، امکان‌سنجی پیگیری قضایی ترور سردار سلیمانی در دیوان کیفری بین‌المللی و دیوان بین‌المللی دادگستری، فصلنامه پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب، سال هفتم ، شماره دوم، تابستان 1399، ص 9-8. [↑](#footnote-ref-18)
19. Anticipatory self-defense [↑](#footnote-ref-19)
20. Preventive self-defense [↑](#footnote-ref-20)
21. Effendi Hilmi Dwi and others, op cit. [↑](#footnote-ref-21)
22. زمانی سید قاسم و برلیان پویا، آمریکایی سازی حقوق بین‌الملل و چالش‌های فراروی جامعه بین‌المللی: ترور هدفمند سردار قاسم سلیمانی ، فصلنامه پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب، سال هفتم، شماره دوم، تابستان 1399، ص 103. [↑](#footnote-ref-22)
23. Arend Anthony Clark, opcit,pp. 89-103. [↑](#footnote-ref-23)
24. Military and Paramilitary Activities in and Against Nicaragua (Nicaragua v. United States of America) Merits, Judgment, I.C.J. Reports 1986, p. 14. [↑](#footnote-ref-24)
25. یاقوتی محمدمهدی، فصلنامه سیاست خارجی، سال بیست و پنجم، شماره 4، زمستان 1390، ص 1122 [↑](#footnote-ref-25)
26. JERVIS R., Understanding the Bush Doctrine, (2003), in Political Science Quarterly, Vol. 118, N.3 pp.365-388 [↑](#footnote-ref-26)
27. موسوی، سید فضل‌الله و حاتمی مهدی دفاع مشروع پیش‌دستانه در حقوق بین‌الملل ، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره 72، تابستان 1385، ص 308. [↑](#footnote-ref-27)
28. منتظران جاوید و جعفری سید اصغر ترور شهید سپهبد سلیمانی از منظر قواعد حقوق بین‌الملل و حقوق بشردوستانه با تأكید بر رسالت رسانه‌های برون‌مرزی ، پژوهشنامه رسانه بین‌الملل/ سال پنجم/ شماره پنجم/بهار و تابستان1399، ص 20. [↑](#footnote-ref-28)
29. O’CONNELL M.E., op cit. [↑](#footnote-ref-29)
30. قاسمی غلامعلی و ستایش محمد، پیشین، ص 103 [↑](#footnote-ref-30)
31. عزیزی ستار، پیشین، ص 127-126 [↑](#footnote-ref-31)
32. همان، ص 128 [↑](#footnote-ref-32)
33. United Nations Human Rights Committee,Concluding Observations of the Human Rights Committee:Israel,15, UN

    Doc. CCPR/GO/78/ISR, August 21st, 2003 [↑](#footnote-ref-33)
34. دهنوی وحید و دیگران،مسئولیت بین‌المللی امریکا در قبال ترور شهید قاسم سلیمانی و ظرفیت‌های حقوقی پیگیری قضایی جمهوری اسلامی ایران، نشریه علمی آفاق امنیت، شماره 48، پاییز 1399، ص 154-155. [↑](#footnote-ref-34)
35. Occupying powers under unified command [↑](#footnote-ref-35)
36. اصولاً موافقت‌نامه‌های تعيين وضعيت نظاميان در كشور ميزبان با عنوان سوفا یا SOFA شناخته می‌شوند که درواقع توافقی است که بر اساس وضعیت حقوقی نیروی نظامی خارجی در سرزمین یک کشور دوست قرار دارد. [↑](#footnote-ref-36)
37. کرم زاده سیامک و عابدینی عبدالله، ابعاد حقوقی به شهادت رساندن سپهبد قاسم سلیمانی توسط ایالات‌متحده در عراق، فصلنامه پژوهش تطبیقی حقوق ایلام و غرب- سال هفتم- شماره دوم ، تابستان 1399، ص 226. [↑](#footnote-ref-37)
38. United Nations Security Council, Identical Letters dated 6 January 2020 from the Permanent Representative of Iraq to the United Nations Addressed to the President of the Security Council, S/2020/15, January 6 2020, UN Doc. S/2020/15,New York. [↑](#footnote-ref-38)
39. منتظران جاوید و جعفری سیداصغر ،همان ، ص 16. [↑](#footnote-ref-39)
40. ALSTON, P., The CIA and Targeted Killings Beyond Borders, New York University Public Law and Legal Theory Working Papers, Paper 303. [↑](#footnote-ref-40)
41. دهنوی وحید و دیگران،پیشین، ص 151. [↑](#footnote-ref-41)
42. . دیوان بین‌المللی دادگستری که وظیفه رسیدگی به جنایات بین‌المللی را بر عهده دارد اساساً در چهار حوزه کلی صلاحیت دارد : جنایت نسل‌کشی، جنایت علیه بشریت، جنایت جنگی و جنایت تجاوز در جریان کنفرانس بازنگری اساسنامۀ دیوان بین‌المللی کیفری در سال 11 ژوئن 2010 در کامپالا-اوگاندا، نمایندگان دولت‌ها موفق به اصلاح اساسنامۀ رم شده و در مهم‌ترین این اصلاحات، مادۀ 8 مکرر را در خصوص جرم تجاوز تنظیم کردند . [↑](#footnote-ref-42)
43. تهاجم یا حمله به سرزمین دولت دیگر به‌وسیله نیروهای مسلح  یک دولت، یا هر نوع اشغال نظامی، هرچند موقت که از چنین تهاجم یا حمله‌ای ناشی شود، یا هر نوع ضمیمه تمام یا بخشی از سرزمین دولت دیگر با استفاده از نیروی مسلح؛ بمباران سرزمین دولت دیگر یا به کاربردن سلاح علیه سرزمین دولت دیگر؛ محاصره بنادر یک دولت؛ استفاده از نیروهای مسلح مقیم در سرزمین دولت دیگر برخلاف شرایط مقرر در توافقنامه منعقده با دولت پذیرنده یا تمدید دوره حضور در سرزمین دولت فرستنده برخلاف شرایط موافقت‌نامه؛ اجازه استفاده از سرزمین برای ارتکاب اقدام تجاوزکارانه علیه دولت ثالث؛ ارسال گروه‌ها، نیروهای نامنظم و مزدوران برای انجام عملیات نیروهای نظامی علیه دولت دیگر. [↑](#footnote-ref-43)
44. فضائلی مصطفی، پیشین، ص 180. [↑](#footnote-ref-44)
45. دهنوی وحید و دیگران،پیشین، ص 156-155. [↑](#footnote-ref-45)
46. فقیه حبیبی، علی، جایگاه حقوق بشردوستانه در اسلام و اسناد بین‌المللی ، پژوهش‌های جهان اسلام، 1395، دوره 6، شماره 2 ص 82. [↑](#footnote-ref-46)
47. بسیاری از دولت‌ها سعی دارند با استناد به ضرر و زیان جنبی و اجتناب‌ناپذیر ناشی از حمله، اصل تفکیک میان نظامی و غیرنظامی و ممنوعیت حمله » اجتناب‌ناپذیر مستقیم و هدفمند علیه افراد غیرنظامی را نادیده بگیرند و اقدامات خود را از این طریق توجیه نمایند. باید توجه داشت که این استناد در صورتی می‌تواند موردقبول واقع شود که حمله به افراد غیرنظامی، عامدانه و از پیش تعیین‌شده نباشد، چه‌بسا ممکن است حمله به افراد غیرنظامی در اثر خطای انسانی یا ابزارهای جنگی باشد و یا به دلیل عدم وجود هدف نظامی مشخص صورت بگیرد. [↑](#footnote-ref-47)
48. حسینی اکبر نژاد، هاله و حوریه حسینی اکبر نژاد، پیشین ،ص 226-225 . [↑](#footnote-ref-48)
49. دهنوی وحید و دیگران،پیشین ص 154-155. [↑](#footnote-ref-49)
50. Unmanned Aerial Vehicles [↑](#footnote-ref-50)
51. General Assembly, Resolution 68/17884 on the protection of human rights and fundamental freedoms while countering terrorism [↑](#footnote-ref-51)
52. United Nations General Assembly, Resolution 68/178, 18 December 2018, A/RES/68/178 available at:https://digitallibrary.un.org/record/764419?ln=en. [↑](#footnote-ref-52)
53. UNHRC, Special Rapporteur, A/71/384 [↑](#footnote-ref-53)
54. امینی اعظم و بذار وحید، پیشین ، ص 15. [↑](#footnote-ref-54)
55. ايران در سال 1978 و ایالات‌متحده در سال 1976 به اين كنوانسيون ملحق شده‌اند. [↑](#footnote-ref-55)
56. The Authorization for Use of Military Force, )AUMF 2001 and 2002( [↑](#footnote-ref-56)
57. عزیزی ستار، پیشین، ص 135-134. [↑](#footnote-ref-57)
58. همان 1399، ص 132. [↑](#footnote-ref-58)
59. EU, No 542/ 2012 [↑](#footnote-ref-59)
60. مواردی همچون ملامحمد عمر، ، قائد سلیم سنان الهراتی ، ابومصعب الزرقاوی و اسامه بن لادن . [↑](#footnote-ref-60)
61. دهنوی وحید و دیگران،پیشین ، ص 154. [↑](#footnote-ref-61)
62. امینی اعظم و بذار وحید، پیشین، ص 9-10. [↑](#footnote-ref-62)
63. همان ، ص 154-155. [↑](#footnote-ref-63)